

ابعاد شخصیت فاطمه زهرا(س) از منظر پیامبر اکرم(ص).....

نعمت‌الله یوسفیان

استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

ناطقه مرا مگر روح قدس کند مدد . تا که ثنای حضرت سیده نساء کند
 وهم به اوج قدس ناموس اله کی رسد فهم که نعت بانوی خلوت کبریا کند
 فیض نخست و خاتمه نور جمال فاطمه چشم دل ار نظاره در مبدأ و منتهی کند
 صورت شاهد ازل معنی حسن لم یزل وهم چگونه وصف آئینه حق نما کند

چکیده

مقاله حاضر بر آن است تا برخی از ابعاد شخصیت فاطمه زهرا(س) را بر اساس روایات نبوی به بحث بگذارد. از این رو، پس از مقدمه‌ای کوتاه، جایگاه فاطمه زهرا(ع) در هستی، در پیشگاه الهی و نزد پیغمبر اکرم(ص) مورد بررسی قرار گرفته است. پس از آن مقام علمی، مقامات معنوی و عرفانی، زهد و بی‌رغبتی و آسوه جاودانی بودن آن حضرت بر اساس روایات تبیین شده است.

در بخش پایانی مقاله نیز چند نکته قابل تدبّر در زندگی آن حضرت بیان شده است.

کلید واژه‌ها: فاطمه زهرا(ع) - رضا و سخط الهی - مقام محمود - مقامات معنوی - محدّثه -

مصحف فاطمه - زهد و بی‌رغبتی به دنیا - آسوه جاودانی

مقدمه

فاطمه (ع) ساخته و پرداخته خداوند برتر است. همان گونه که آدمی از پی بردن به کُنه حقیقت ذات ربوبی ناتوان است و شاهباز عقول از رسیدن به قلّه شناخت او عاجز است، درک عظمت شخصیت حضرت فاطمه (ع) نیز مقدور کسی نیست و «دست آمال اهل معرفت از دامن کبریای جلال و جمال او کوتاه و پای معرفت اصحاب قلوب از نیل وصول به اوج کمال آن در گل است.»^۲ این است راز سخن امام صادق (ع) که فرمود:

إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةً فَاطِمَةً لِأَنَّ الْخَلْقَ قُطِبُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا^۳

فاطمه را فاطمه نامیده‌اند؛ زیرا آدمی از درک و فهم و شناخت او بازگرفته شده است.

بهترین روش شناخت فاطمه (ع) و پی بردن به ابعاد شخصیت ایشان، تحلیل ثقلین است و هیچ عاملی بهتر از این دو وزنه گرانسنگ، ترجمان هستی آن ذات مقدس نمی تواند باشد. از آن جا که سال ۸۵ از سوی مقام معظم رهبری زید عزه به نام مبارک پیامبر اعظم (ص) مزین شده است، در نوشتار حاضر درصددیم تا به اجمال نگاهی به «ابعاد شخصیت حضرت فاطمه (ع) از منظر روایات نبوی بیندازیم و سبدهایی از دسته گلهای محمدی را به شیفتگان خاندان عصمت و طهارت تقدیم داریم.

جایگاه فاطمه (ع) در هستی

خداوند سبحان حضرت فاطمه (ع) را از نور عظمت جلال و جمال خود آفرید؛ «نُورُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللَّهِ»^۴. مرتبه وجودی فاطمه زهرا در جهان هستی فوق مرتبه وجودی آسمان و زمین است. پیغمبر اکرم (ص) فرمود:

خُلِقَ نُورُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَبْلَ أَنْ يُخْلَقَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ^۵

پیش از آنکه آسمان و زمین آفریده شود، نور فاطمه (ع) آفریده شد.

خداوند نور فاطمه (ع) را زینت بخش عرش قرار داد:

... فَخَلَقَ نُورُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَوْمَئِذٍ كَالْقَنْدِيلِ وَ عَلَّقَهُ فِي قُرْطِ الْعَرْشِ...^۶

پس از آنکه نور فاطمه زهرا (ع) آفریده شد، خداوند او را زینت عرش قرار داد.

این نور مقدس در معیت انوار مقدس رسول اکرم (ص)، علی (ع) و دو فرزند بزرگوارش در

پرده سرای عرش الهی خداوند را تسبیح می گفت. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

أَنَا وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةٌ وَالْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ كُنَّا فِي سُرَادِقِ الْعَرْشِ نُسَبِّحُ اللَّهَ...^۷

من، علی، فاطمه، حسن و حسین در سایبان عرش بودیم و خدا را تسبیح می‌گفتیم.

خداوند آسمان و زمین را از همین نور آفرید:

... ثُمَّ فَتَقَّ نُورُ ابْنَتِي فَخَلَقَ مِنْهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، فَالسَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ مِنْ نُورِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَ نُورُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللَّهِ.^۸

سپس نور دخترم را شکافت و از آن، آسمان و زمین را آفرید. پس آسمانها و زمین از نور دخترم فاطمه (ع) است و نور او از نور خداست.

در توضیح این روایت نبوی می‌توان از روایت امام صادق (ع) بهره گرفت که فرمود:

... لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ فَلَمَّا أَشْرَقَتْ أَضَاءَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِنُورِهَا.^۹

خداوند بزرگ فاطمه را از نور عظمتش آفرید و چون نور فاطمه (ع) درخشید، آسمانها و زمین به نورش روشن گشت. [کنایه از آفرینش آسمانها و زمین به واسطه نور آن حضرت].

این گونه روایات، نشانگر مراتب وجودی فاطمه زهرا در عالم هستی و پیش از آفرینش عالم است؛ به گونه‌ای که در یک مرتبه جلوه‌ای از عظمت خداست، در مرتبه‌ای جلوه و ظهور علم و شهود او است. در مرتبه‌ای در عرش و زینت بخش عرش الهی است و در دیگر مرتبه تنزل نورش در آسمانها و زمین است و در مرتبه‌ای نیز این نور در میوه‌ای از میوه‌های بهشتی (خرما یا سیب) تنزل می‌یابد و در نهایت تنزل این نور در صلب رسول اکرم (ص) است و مقدمات ولادت آن بانوی گرامی فراهم می‌گردد.^{۱۰}

بنابراین، فاطمه زهرا (ع) قبل از آفرینش عالم، نوری بوده است که در ظل عرش و در انعقاد نطفه و طینت از بقیه مردم امتیاز دارد و موجودی ملکوتی است و حوریه‌ای است در سیمای انسان؛ چنان که پیغمبر اکرم (ص) فرمود:

فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ؛^{۱۱}

إِبْنَتِي فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ آدَمِيَّةٌ^{۱۲}

امام راحل (ره) در وصف فاطمه اطهر فرمود:

او، زن معمولی نیست، او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است؛ بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است... معنویات، جلوه‌های

ملکوتی، جلوه‌های الهی، جلوه‌های جبروتی، جلوه‌های ملکی و ناسوتی همه در این موجود مجتمع است. انسانی است به تمام معنا انسان، زنی است به تمام معنا زن.^{۱۳}

در پیشگاه الهی

خداوند بر تر «سوره کوثر» را در شأن فاطمه زهرا(ع) نازل فرموده است. طهارت و پاکی اش را در «آیه تطهیر» ستوده است. اوج عرفان و معنویتش را در «آیه مباهله» به تصویر کشیده است. ایثارگری مخلصانه اش را در «سوره دهر» ترسیم کرده است و آیات فراوان دیگر در شأن او نازل فرموده است.^{۱۴}

فاطمه(ع) گرامی ترین بنده در پیشگاه خداوند است، همان گونه که رسول اکرم(ص)، علی(ع) و فرزندانش، گرامی ترین هستند پیغمبر اکرم(ص) در جریان مباهله با مسیحیان نجران فرمود:

لَوْ عَلِمَ اللَّهُ تَعَالَى أَنَّ فِي الْأَرْضِ عِبَادًا أَكْرَمَ مِنْ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ لَأَمَرَنِي أَنْ أَبَاهِلَ بِهِمْ وَ لَكِنِّي أَمَرَنِي بِالْمَبَاهِلَةِ مَعَ هَؤُلَاءِ وَ هُمْ أَفْضَلُ الْخَلْقِ...^{۱۵}

اگر خداوند برتر در روی زمین بندگانی گرامی تر و بهتر از علی و فاطمه و حسن و حسین می شناخت، البته مرا فرمان می داد به همراه آنان به مباهله بپردازم. و لکن مرا امر فرمود که با اینان - که برترین خلق هستند - با آنان مباهله کنم.

فاطمه(ع) محبوبه الهی است و خدا و رسول او را دوست می دارند. پیرمردی نزد پیغمبر اکرم(ص) آمد و از ایشان تقاضای کمک کرد. حضرت او را به خانه فاطمه اش راهنمایی کرد و این گونه فرمود:

... إِنِّي أَطِيقُ إِلَى مَنْزِلِ مَنْ يُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ، يُؤْتِيهِ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ، إِنِّي أَطِيقُ إِلَى حُجْرَةِ فَاطِمَةَ...^{۱۶}

برو به خانه فاطمه؛ خانه کسی که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند و خداوند را بر خویشتن مقدم می دارد.

قلم یارای وصف فاطمه زهرا(ع) در پیشگاه خداوند را ندارد، ولی به کمک روایات

نبوی به ذکر سه مقام از مقامات معنوی آن موجود ملکوتی بسنده می کنیم:

الف - فاطمه (ع)، سبب آفرینش عالم

وجود مقدس فاطمه زهرا (ع) سبب آفرینش عالم است. همان‌گونه که رسول اکرم (ص)، علی (ع) و دو فرزند بزرگوارش نیز علت آفرینش هستند، اگر فاطمه (ع) نبود خداوند آسمان و زمین، بهشت و دوزخ، عرش و کرسی و فرشتگان و انس و جن را نمی‌آفرید. جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که: خداوند برتر خطاب به حضرت فرمود:

يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاقَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمْ

ای احمد! اگر تو نبودی جهان را خلق نمی‌کردم و اگر علی نبود تو را نمی‌آفریدم و اگر فاطمه نبود تو و علی را خلق نمی‌کردم!

سپس جابر می‌گوید: این از اسراری است که رسول خدا (ص) امر فرمود تا کتمان شود، مگر از اهلسن.^{۱۷}

این حدیث قدسی کرامت و منقبت بزرگی را برای فاطمه (ع) اثبات کرده است و روایات بسیاری نیز بر آن تأکید کرده‌اند. از جمله از نبی اکرم (ص) نقل شده که فرمود:

هنگامی که خداوند آدم ابوالبشر را آفرید و از روح خود در او دمید، آدم به جانب راست عرش نظر افکند و آنجا پنج شبخ غرق در نور به حال سجده و رکوع مشاهده کرد. عرض کرد: آیا قبل از آفریدن من، کسی را از خاک خلق کرده‌ای؟ خطاب آمد: نه، نیافریدم، عرض کرد: پس این پنج شبخ که در هیأت و صورت همانند خویشتن می‌بینم چه کسانی هستند؟ خداوند فرمود: این پنج تن از نسل تو هستند، اگر آنها نبودند، تو را نمی‌آفریدم. نامهای آنان را از اسامی خود مشتق کرده‌ام. اگر این پنج تن نبودند. نه بهشت و دوزخ را می‌آفریدم، نه عرش و کرسی، نه آسمان و زمین را خلق می‌کردم و نه فرشتگان و انس و جن را... منم «محمود» و این «محمد» است. منم «عالی» و این «علی» است. منم «فاطر» و این «فاطمه» است، منم «احسان» و این «حسن» است و منم «محسن» و این «حسین» است...^{۱۸}

این روایت تأکید دارد که انوار مقدس رسول اکرم (ص)، علی و فاطمه و دو فرزند بزرگوارش نه تنها علت آفرینش حضرت آدم (ع) بلکه کل موجودات عالم هستند. بنابراین، اگر انوار این پاکان نبود، عرش و کرسی، بهشت و دوزخ، آسمان و زمین، فرشتگان و انس و جن خلق نمی‌شدند.

فاطمه (ع) «ام ابیها» و جامع همه کمالات محمدی و مظهر صفات ربوبی است و علت باقی نبوت است و اگر نبود فاطمه (ع) بعد از پیغمبر اکرم (ص) برای دین خیمه‌ای به پا نمی‌شد و خبری از دین نبود. از طرفی فاطمه (ع) «ام الائمه» و «کوثر» همیشه جاری عالم هستی است. عالم به دست با کفایت فرزندان بزرگوارش رو به صلاح و درستی می‌رود. در مقام استدلال بر این مطلب وجود مقدس امام زمان (ع) که از فرزندان فاطمه زهرا (ع) است برای اثبات مطلب کفایت می‌کند؛ چرا که تمام تشکیلات عالم؛ ارسال رسل؛ انزال کتب، آمدن اولیاء و اوصیا همه و همه مقدمه آمدن و ظهور آن حضرت است و او با ظهورش دنیا را پر از عدل و داد می‌کند.

بنابراین فاطمه زهرا حکمت و وجود اسلام و تکوین تمدن عظیم اسلامی و حکومت جهانی مهدوی است که اگر فاطمه نبود چنین مطلبی بدون حکمت بود. بی دلیل نیست که طبق روایات اهل بیت (ع) فاطمه «لیلة القدر» است و وجود مقدسش همانند «لیلة القدر» ناشناخته است^{۱۹} و در روایت نبوی سبب بودن فاطمه زهرا (ع) برای آفرینش، از اسرار الهی شمرده شده است که کمتر کسی به حقیقت این مطلب پی می‌برد.

ب - فاطمه (ع)، مظهر رضا و سخط الهی

شعار فاطمه (ع) در زندگی «رَضِيَ اللهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ نَضِيرٌ عَلَيَّ بَلَاءُهُ يُوفِينَا أَجُورَ الصَّابِرِينَ»^{۲۰} و تعلیم او «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً الْآتِبِيَاءُ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا مَثَلُ»^{۲۱} بود. از این رو، تمام تلخی‌های زندگی را در راه رضای محبوب خویش چون شهدی گوارا به جان می‌خرد و از درمان و درد و وصل و هجران، می‌پسندید آنچه را که جانان برایش می‌پسندید.

فاطمه (ع) در برخورد با مشکلات و مصایب نه تنها زبان به گله و شکایت نمی‌گشود، بلکه با خرسندی از آنها استقبال می‌کرد و جز «رَضِيتُ بِمَا رَضِيَ اللهُ وَرَسُولُهُ»^{۲۲}، «رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا...»^{۲۳}، «رَضِيتُ عَنِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ...»^{۲۴} و «سَلَّمْتُ وَرَضِيتُ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ»^{۲۵} سخنی بر زبان جاری نمی‌کرد؛ زیرا او این گونه تربیت شده و آموخته بود.

جابر بن عبدالله گوید: رسول خدا (ص) وارد منزل فاطمه زهرا (ع) شد، در حالی که عبایی از پشم شتر بر دوش حضرت فاطمه بود و با دست آسیا می‌کرد، پیامبر (ص) نگاهی به او کرده، فرمود:

يَا فَاطِمَةُ تَعَجَّلِي فَتَجْرِعِي مَرَارَةَ الدُّنْيَا لِنَعِيمِ الْآخِرَةِ عَدَاً. فَأَنْزَلَ اللَّهُ «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»^{٢٦}

عجله کن و تلخی‌های دنیا را تحمل کن تا فردا (در بهشت) به نعمتهای آخروی نایل گردی؛ چرا که خداوند بر من نازل کرده است که: آنقدر پروردگارت به تو می‌بخشد که تو راضی شوی. فاطمه زهرا(ع) اراده و تدبیر و اختیار خود را یکسره تسلیم اراده و تدبیر و اختیار خداوند کرده و دل بر قضای او نهاده بود. «عاشقان در سیل تند افتاده‌اند / بر قضای عشق، دل بنهاده‌اند»^{٢٧} او در این رهگذر به درجه‌ای از مقام رضایت الهی رسیده بود که رضای او با رضای خدا و رسول متحد گردیده بود. از این رو است که: پیغمبر اکرم (ص) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا^{٢٨}

خداوند به غضب فاطمه، غضب می‌کند و به خشنودی او خشنود می‌شود.

همو فرمود:

أَنَّ فَاطِمَةَ شِبْهَةٌ مِنِّي يُسَخِّطُنِي مَا أَسَخَطَهَا وَيُضِيقُنِي مَا أَرْضَاهَا^{٢٩}

فاطمه، شاخه و پاره‌ای از من است، آنچه او را به غضب آورد مرا به غضب آورده است و آنچه او را خشنود سازد مرا خشنود خواهد ساخت.

از این گونه روایات استفاده می‌شود که فاطمه(ع) در پیشگاه خداوند دارای مقامی عالی و شریف است؛ چون معنا ندارد که خداوند از کسی راضی باشد، ولی او نزد خدا منزلت و کرامتی نداشته باشد. از این رو، فاطمه زهرا(ع) به واسطه اینکه محور رضا و غضب الهی است کریمه در پیشگاه خداوند نیز هست.

ج - فاطمه(ع) شفیعه روز جزا

در میان شافعان روز قیامت، شفاعت فاطمه زهرا(ع) چنان بی‌ظنیر و گسترده است که نه تنها محبان و دوستان بدان بلکه تمام محبت‌کنندگان به دوستان یا دوستان دوستان او را نیز در بر می‌گیرد و خداوند برتر شفاعت او را در حق همه آنان می‌پذیرد.

بر اساس روایت نبوی آن هنگام که فاطمه(ع) سوار بر ناقه در صحنه محشر حضور می‌یابد، گویی محشر از فیض وجود مقدسش گلباران می‌شود و تمام توجهات به سوی او معطوف می‌گردد. صداها و همه‌ها از هر طرفی صحنه محشر را فرامی‌گیرد. ناگهان

حضرت جبرئیل به بالاترین صوت فریاد برآورد که: «يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ (ص)». ^{۳۰} با این ندای ملکوتی نفسها در سینه‌ها حبس می‌شود و تمام صداها و همه‌ها فرو می‌نشینند.

این چه دستوری است؟ آیا اهل محشر با فاطمه (ع) نامحرمند؟! نه، این دستور برای آن نیست که اهل محشر با فاطمه (ع) نامحرمند و نامحرمان اجازه دیدن او را در هنگام عبور ندارند؛ چرا که آنجا سخن از تکلیف و حرمت و حلیت و یا جواز و عدم نیست، بلکه امر، امر تکوینی است؛ یعنی وقتی این بانو با آن جلال و شکوه از میان اهل محشر عبور می‌کند، نور چشم آنان در هم شکسته می‌شود و آنان توان دیدن او را ندارند. ^{۳۱}

در پی این ندا هیچ پیامبر، صدیق و شهیدی باقی نمی‌ماند مگر آنکه چشمانشان را فرو می‌افکنند و فاطمه (ع) عبور می‌کند و در برابر عرش پروردگار قرار می‌گیرد و زبان به تظلم می‌گشاید. از جانب خداوند برتر ندا می‌رسد:

ای حبیبۀ من و ای دختر حبیب من! بخواه که هر چه خواهی عطا می‌شود، شفاعت نما که هر که را شفاعت کنی پذیرفته می‌شود.

پس از درخواست فاطمه (ع) خطاب می‌رسد:

کجايند فرزندان فاطمه و پيروان ایشان؟ كجايند دوستداران فاطمه و دوستداران فرزندان او؟ بلافاصله، فرشتگان رحمت، ایشان را در بر می‌گیرند. فاطمه (ع) در پیشاپیش و اینان در پی او وارد بهشت برین می‌گردند. ^{۳۲}

حق تعالی فاطمه (ع) را محور جود و مظهر رحمت خویش قرار می‌دهد و به برکت وجود مقدسش آنقدر از گناهکاران را می‌بخشد که محبوبه‌اش را خشنود می‌سازد. امام باقر (ع) در ضمن روایتی طولانی از جد بزرگوارش پیغمبر اکرم (ص) فضایل فاطمه زهرا (ع) را بر می‌شمارد تا به اینجا می‌رسد و می‌فرماید:

به خدا سوگند فاطمه (ع) در روز قیامت دوستان و شیعیان خود را از میان مردم، بسان مرغی که دانه‌های خوب و مرغوب را برمی‌چیند، جدا می‌سازد و از گرفتاریهای آن روز نجاتشان می‌دهد... و در پی شفاعت گسترده زهرا (ع) «لَا يَبْقَى فِي النَّاسِ إِلَّا شَاكٌ أَوْ كَافِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ» ^{۳۳}

کسی باقی نمی‌ماند مگر شک‌کنندگان، کافران و منافقان.

این همان «مقام محمودی» است که خداوند برتر به فاطمه زهرا(ع) کرامت کرده و پدر بزرگوارش روزی بشارت آن را به او داده بود. پیغمبر اکرم (ص) خطاب به دختر گرامی اش فرموده بود:

يَا فَاطِمَةُ أَيُّبَرِي فَلَكِ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامٌ مَحْمُودٌ تَشْفَعِينَ فِيهِ لِحَبِيبِكَ وَ شَبِيعِكَ فَتَشْفَعِينَ^{۳۴}

ای فاطمه! تو را بشارت می‌دهم که تو در بارگاه خداوند از «مقام محمود» برخورداری و در آن مقام رفیع برای دوستداران و شیعیان شفاعت می‌کنی و شفاعت تو پذیرفته می‌شود.

دستگیر خلق در محشر تویی	منجی و بخشنده و داور تویی
نار زندانی شود در بند تو	خشم گردد مهر با لبخند تو...
حق به محشر محور جودت کند	آن قدر بخشد که خوشنودت کند
محشر از فیض تو گلباران شود	عفو، مشتاق گنه کاران شود...
هر چه گویی ذات بی‌چون آن کند	گر تو خواهی نار را رضوان کند. ^{۳۵}

فاطمه زهرا(ع) در روز قیامت از چنان موقعیتی برخوردار است که همگان آرزوی فاطمی بودن می‌کنند. چنان که از ابن عباس روایت شده که می‌گوید: از علی بن ابیطالب(ع) از رسول خدا(ص) در حدیثی طولانی شنیدم که می‌فرمود: خداوند خطاب به فاطمه زهرا(ع) فرمود:

إِن طَلِقَ فَمَنْ اعْتَصَمَ بِكَ فَهُوَ مَعَكَ فِي الْجَنَّةِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَوْمُ الْخَلَائِقِ أَنَّهُمْ كَانُوا فَاطِمِيَّينَ^{۳۶}

[ای فاطمه! برو! هر کس دست به دامن تو زند در بهشت با تو است پس در آن هنگام است که همه خلائق آرزو می‌کنند فاطمی بودند.

در آینه نگار

فاطمه زهرا(ع) در پیشگاه پیامبر اعظم(ع) نیز مقامی بس رفیع دارد که از خلال احادیث نبوی و سیره عملی آن حضرت در برخورد با دختر گرامی اش روشن می‌شود؛ پیامبر اکرم(ع) گاهی درباره فاطمه اش می‌فرمود: «فِدَاكِ أَبُوكِ»^{۳۷} یا «فِدَاهَا أَبُوهَا»^{۳۸} گاهی می‌فرمود: «بَضْعَةٌ مِنِّي وَ...»^{۳۹} و زمانی نیز او را صدا می‌زد: مادر! برای اینکه از نظر عاطفی نقش مادری بسیار دلسوز را در زندگی پیغمبر(ص) بازی می‌کرد. از این رو، به «ام ابیها»

لقب گرفت.^{۴۰} و اینک برخی از روایات نبوی درباره جایگاه فاطمه (ع) در نزد پدر بزرگوارش را با هم می‌خوانیم:

۱. فاطمه (ع) فرشته‌ای است در سیمای انسان. هرگاه مشتاق بهشت می‌شوم دخترم فاطمه

را می‌بویم. (فَاطِمَةُ حُوزَاءُ إِنْسِيَّةٍ فَكُلَّمَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ)^{۴۱}

۲. فاطمه مایه شادمانی قلب من است (فَاطِمَةُ بَهْجَةُ قَلْبِي)^{۴۲}

۳. فاطمه از من و من از اویم (يَا فَاطِمَةُ أَنْتِ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ)^{۴۳}

۴. او برترین آفریدگان نزد من است. (فَاطِمَةُ أَعَزُّ الْبَرِيَّةِ عَلَيَّ)^{۴۴}

۵. فاطمه، پاره تن من است، هر کس او را بیازارد مرا آزرده و هر کس مرا بیازارد خدا را آزرده

است. (فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ)^{۴۵}

۶. هر کس فاطمه را شناخت که می‌شناسد و هر کس او را نشناخته است بداند که او پاره تن

من و روح و قلب من است. از این رو، هر کس او را بیازارد مرا آزرده است (مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ

عَرَفَهَا وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي، هِيَ قَلْبِي وَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي)^{۴۶}

۷. فاطمه پاره وجود و نور دو چشم و میوه قلب من است. او روح و جان من است که در میان

دو پهلویم قرار گرفته است. او حوریه‌ای است در چهره انسان «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ

عَيْنِي وَ نَمْرَةٌ قُوَادِي وَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَ هِيَ الْحُوزَاءُ الْإِنْسِيَّةُ»^{۴۷}

در باره سیره عملی و رفتار پیامبر اکرم (ص) با حضرت زهرا (ع) نیز روایات فراوانی

نقل شده است؛ از جمله در روایتی آمده است: رسول خدا (ص) هرگاه فاطمه (ع) را می‌دید

خوشحال می‌شد «كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا رَأَى فَاطِمَةَ (ع) فَرِحَ بِهَا»،^{۴۸} زهرایش را بسیار می‌بوسید

«يُكَبِّرُ تَقْبِيلَ فَاطِمَةَ». ^{۴۹} وقتی فاطمه‌اش نزد او می‌رفت به استقبالش می‌شتافت، دست او را

می‌بوسید و در جای خویش می‌نشاند «كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحَبَ بِنَا وَ قَبَلَ يَدَيْهَا وَ اجْلَسَهَا فِي

مَجْلِسِهِ»^{۵۰}

عادت رسول خدا (ص) این بود که وقتی از سفر برمی‌گشت، اول به خانه فاطمه (ع)

وارد می‌شد.^{۵۱}

بدون تردید این همه تکریم و احترام بیانگر عظمت معنوی فاطمه زهرا (ع) است و از

شأن و مرتبت والای عرفانی و ملکوتی آن بانوی بهشتی در پیشگاه خدا و رسول پرده

برمی‌دارد، نه اینکه ارتباط عاطفی صرف میان یک پدر و دختر را بخواهد به اثبات برساند.

مقام علمی

روایات فراوانی درباره مقام علمی فاطمه زهرا(ع) وارد شده است. از جمله اینکه پیغمبر اکرم(ص) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا وَ زَوْجَتَهُ وَ أَبْنَاءَهُ حُجَجَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ هُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي، مَنِ اهْتَدَى بِهِمْ هُدَى إِلَى صِرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ»^{۵۲}

خداوند برتر علی و همسرش و فرزندانش را حجت‌های خویش بر مردم قرار داد و آنان دروازه‌های علم و دانش در میان امت من هستند. از این رو، هر کس به آنان تمسک جوید به صراط مستقیم راه یافته است.

در روایتی دیگر دارد:

إِنَّ اللَّهَ أَعْطَى عَشْرَةَ أَشْيَاءَ لِعَشْرَةِ مِنَ النِّسَاءِ... وَ الْعِلْمَ لِفَاطِمَةَ زَوْجَةِ الْمُرْتَضَى^{۵۳}

خداوند ده چیز را به ده زن تفضل کرد و برای فاطمه(ع)، همسر علی(ع)، دانش را. بنابراین، فاطمه زهرا(ع) همانند امامان معصوم از علم بی‌کران الهی بهره دارد و سرشار از علم و دانش است. در روایتی دارد که روزی به حضرت علی(ع) فرمود:

أَذْنُ لِأَحَدِنَاكَ بِمَا كَانَ وَ بِمَا هُوَ كَائِنٌ وَ بِمَا لَمْ يَكُنْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حِينَ تَقُومُ السَّاعَةُ^{۵۴}

نزدیک بیا تا به تو از حوادث گذشته، حال و آینده تا روز قیامت، آن هنگام که قیامت بر پا می‌شود، خبر دهم.

در ادامه همین روایت نقل شده که علی(ع) نزد پیغمبر اکرم(ص) می‌آید و ماجرا را با آن حضرت در میان می‌گذارد و از پیامبر(ص) می‌پرسد: «نُورُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِنَا؟» آیا نور فاطمه از نور ماست؟ حضرت فرمود: «أَوْ لَا تَعْلَمُ» مگر نمی‌دانی؟ در این هنگام علی(ع) به شکرانه این معنا، سجده شکر به جا آورد.^{۵۵}

مقامات معنوی و عرفانی

درباره مقامات معنوی فاطمه زهرا(ع) فرازهایی بسیار درخشان و برجسته‌ای وجود دارد که روایات پیغمبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) از آن پرده برمی‌دارد. با این وجود معتقدیم که ما نمی‌توانیم آن درخشندگی و تلالو معنویت را در وجود آن بزرگوار درک کنیم و

تشخیص بدهیم؛ چراکه نور درخشان معنوی به چشم همه کس نمی آید و چشمهای نزدیک بین و ضعیف قادر نیست آن جلوه درخشان را ببیند.

و اینک پاره‌ای از روایات را با هم مرور می‌کنیم:

۱. رسول خدا(ص) فرمود: خداوند تمام وجود دخترم فاطمه را از ایمان و یقین لبریز

کرده است (إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِيمَانًا وَ يَقِينًا) ۵۶

۲. در روایتی دیگر رسول اکرم(ص) خطاب به سلمان فرمود: ای سلمان! دخترم فاطمه

آن‌چنان ایمان در اعماق دل و تمامی وجودش نفوذ کرده که برای عبادت خدا، خود را از

همه چیز فارغ می‌سازد. (يَا سَلْمَانَ إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِيمَانًا إِلَى مُشَابِهَاتِهَا تَقَرَّغَتْ

إِطَاعَةَ اللَّهِ) ۵۷

۳. در بخشی از حدیث ابن عباس از رسول خدا(ص) نقل شده است که فرمود:

وقتی دخترم فاطمه در محراب عبادت قرار می‌گیرد، همچون ستاره‌ای برای ملائکه آسمان

می‌درخشد و خداوند بزرگ به ملائکه می‌گوید: ای ملائکه من! به بهترین بنده من؛ فاطمه

بنگرید، او در مقابل من ایستاده و از خوف من تمامی وجودش می‌لرزد و با تمامی حضور قلب

خویش به عبادت من روی آورده است. (وَأَمَّا ابْنَتِي... صَحِيحُ فَأَمَّتْ فِي مَحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَيَّ وَبِهَا جَلٌّ

جَلَالُهُ زَهْرٌ نُورُهَا مِلْأَتِكُمُ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ

لِلْمَلَائِكَةِ: يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى أَمْتِي فَاطِمَةَ، سَيِّدَةِ إِمَائِي فَأَيْمَةُ بَيْنَ يَدَيَّ تَرْتَعِدُ فَرَأَيْتُمْهَا مِنْ

خَيْفَتِي، وَ قَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي...) ۵۸

در توضیح روایت لازم است گفته شود که عبادت فاطمه زهرا(ع) یک عبادت نمونه

بود، در محراب عبادت، مانند اولیای کهن الهی با خداوند راز و نیاز و عبادت می‌کرد. حسن

بصری که یکی از عباد و زهاد معروف دنیای اسلام است درباره فاطمه زهرا می‌گوید:

در دنیا عابدتر از فاطمه نیست، فاطمه آن قدر برای نماز سر پا می‌ایستاد که پاهایش ورم

می‌کرد. (مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا أَعْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، كَانَتْ تَقُومُ حَتَّى تَتَوَرَّمُ قَدَمَاهَا) ۵۹

داستان عبادت فاطمه زهرا(ع) در شب‌های جمعه و قضیه «الجوار مُمُّ الدار»،^{۶۰} زبانزد

خاص و عام است.

فاطمه زهرا(ع) در خشیت خداوند به درجه‌ای رسیده بود که هر گاه به نماز می‌ایستاد،

از عظمت و هیبت خداوند برتر نفسهایش به شمارش می افتاد (كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَنْهَجُ فِي الصَّلَاةِ مِنْ خِيفَةِ اللَّهِ تَعَالَى) ۶۱

سلمان درباره انس فاطمه زهرا (ع) با قرآن می گوید: رسول خدا (ص) مرا برای کاری به خانه فاطمه فرستاد. به خانه که رسیدم، صدای فاطمه (ع) را - که درون خانه قرآن می خواند - شنیدم. ۶۲

روزی رسول خدا (ص) نزد دخترش آمد و او را گریان دید، فرمود: ای نور چشم من! چه چیزی باعث گریه تو شده است؟ فاطمه پاسخ داد: آیه: «وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا.» ۶۳ فاطمه زهرا (ع) واله و شیدای خداوند برتر بود و چیزی جز جذبه های الهی و نظر به «وجه الله» راضی اش نمی کرد. رسول خدا (ص) از فاطمه اش پرسید: دخترم! هم اکنون جبرئیل در نزد من است و از جانب خدا پیام آورده که هر چه بخواهی تحقق می یابد. در جواب می گوید:

لذتی که از خدمت به خدا می برم مرا از هر خواهشی بازداشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند کریم در آخرت باشم (شَغَلَنِي عَنْ مَسْئَلَتِي لَذَّةُ خِدْمَتِهِ،

لَا حَاجَةَ لِي غَيْرَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِهِ الْكَرِيمِ فِي دَارِ السَّلَامِ) ۶۴

۴. ابن عباس می گوید:..... رسول خدا (ص) فرمود:

... فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةَ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ وَ إِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا فَيَسْلُمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ يَنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرْيَمَ فَيَقُولُونَ: يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ... ۶۵

اما دخترم فاطمه، سیده زنان عالم از اولین و آخرین است و [در حالی که] در عبادتگاهش [به نماز] می ایستد، هفتاد هزار فرشته از ملائکه مقرب بر او سلام و درود گفته و همان گونه که مریم را ندا کردند، می گویند: ای فاطمه خداوند تو را برگزید و مطهر و پاکیزه نمود و بر زنان عالم اختیار کرد.

از این روایت استفاده می شود که فاطمه زهرا (ع) «محدثه» بود و از لحاظ معنوی به جایی رسیده بود که فرشتگان بر او فرود می آمدند، با او مأنوس می شدند و با او سخن می گفتند. روایات متعددی در باره این مشخصه آن بزرگوار وجود دارد. از جمله؛

اسحاق بن جعفر گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: فاطمه، از آن سبب محدّثه نامیده شد که: ملائکه از آسمان فرود می آمدند و همچنان که مریم، دختران عمران را ندا می کردند، او را ندا می نمودند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزید و مطهّر و پاکیزه نمود و بر زنان عالم اختیار کرد. ای فاطمه! در پیشگاه پروردگارت، فروتنی نما و سجده به جای آور و بارکوع کنندگان رکوع کن. به این ترتیب، فاطمه (ع) با ملائکه سخن می گفت و آنان نیز با او سخن می گفتند.^{۶۶}

در بخشی از روایت ابو عبیده از امام صادق (ع) نقل شده که حضرت فرمود:.. فاطمه (ع) بعد از رسول خدا (ص) هفتاد و پنج روز [در دنیا] زندگی کرد و به واسطه فقدان پدر بزرگوارش حزنی شدید بر او عارض می شد:

وَكَانَ جَبْرَيْلُ يَأْتِيهَا فَيُحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَى آبِهَا وَيُطَيِّبُ نَفْسَهَا وَيُخْرِجُهَا عَنْ ابْنِهَا وَمَكَانِهَا وَيُخْرِجُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَكَانَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْتُبُ ذَلِكَ فَهَذَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ^{۶۷}
و جبرئیل نزد وی می آمد و او را در مصیبت پدر بزرگوارش دلداری و سر سلامتی می داد و از پدر گرامی و جایگاهش و نیز از آنچه بعد از او درباره ذریه اش روی می دهد، خبر می داد و علی (ع) آن را می نوشت و این مصحف فاطمه است.

امام خمینی قدس سره در توضیح این روایت می فرماید:

ظاهر روایت، این است که در این ۷۵ روز مراده ای بوده است، یعنی رفت و آمد جبرئیل زیاد بوده است. گمان ندارم که غیر از طبقه اول از انبیای عظام درباره کسی این طور وارد شده باشد که در ظرف ۷۵ روز جبرئیل امین، چنین رفت و آمدی داشته باشد. جبرئیل مسائل واقع در آتیه و آنچه را که به ذریه فاطمه (ع) می رسیده است، ذکر می کرده و حضرت امیر هم آنها را می نوشته است... فرود آمدن جبرئیل، یک مسأله ساده نیست، خیال نشود که جبرئیل برای هر کسی امکان دارد بیاید. یک تناسب کامل بین روح آن کس که جبرئیل بر او وارد می شود و مقام جبرئیل، که روح اعظم است، لازم است... این تناسب برای همه کس نبوده است... حتی درباره ائمه هم من ندیده ام که چنین امری وارد شده باشد.

... فقط برای حضرت زهرا (ع) وارد شده است که جبرئیل به طور مکرر در طول ۷۵ روز وارد می شده و مسائل آتیه را که بر ذریه او می گذشته است، می گفته و حضرت امیر هم ثبت

می‌کرده است. شاید یکی از مسایلی که گفته است، راجع به مسایلی بوده است که در عهد ذریه بلند پایه او حضرت صاحب(ع) واقع می‌شود که مسائل ایران هم جزو آن مسائل باشد. سپس امام راحل(ره) در ادامه می‌افزاید:

در هر صورت من این شرافت و فضیلت را از همه فضایل عظیمی که برای حضرت زهرا ذکر کرده‌اند، بالاتر می‌دانم؛ فضیلتی که برای غیر انبیاء(ع) آن هم نه همه انبیاء بلکه برای طبقه بالای انبیاء(ع) و بعضی از اولیایی که در رتبه آنها می‌باشند، برای کس دیگری حاصل نشده است... این فضیلت، از مختصات حضرت صدیقه(ع) است.^{۶۸}

فاطمه زهرا(ع) چنان که از روایات بر می‌آید در اوج قله معنویت انسانی و تکامل بشری قرار دارد و از نظر مقامات معنوی، رکوع و سجود، محراب عبادت، دعا و تضرع و ذات ملکوتی و درخشندگی عنصر معنوی عدل و همپایه امیرالمؤمنین(ع) است. رسول خدا(ص) به حضرت علی(ع) فرمود:

يَا عَلِيُّ... أَنْتَ قَائِدُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْجَنَّةِ... وَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ قَدْ أَقْبَلْتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَقْوُدُ مُؤْمِنَاتِ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ.^{۶۹}

ای علی! تو در روز قیامت مردان مؤمن و دخترم فاطمه، زنان مؤمن را به بهشت راهنمایی می‌کنید.

چنان که ملاحظه می‌شود همه روایاتی در شأن عظمت و مرتبت فاطمه زهرا(ع) وارد شده‌اند زبان به تعظیم و ستایش آن حضرت گشوده‌اند و این نشان دهنده آن مقام والا و توصیف نشدنی فاطمه زهرا(ع) است که درک آن برای کسی مقدور نیست.

زهد و بی‌رغبتی به دنیا

ساده‌زیستی فاطمه زهرا(ع) رهاورد انتخابی عارفانه بود. دنیا و خواسته‌های حقیر آن سیرایش نمی‌کرد. جز ذات خداوند برتر تمنایی نداشت. او وارستگی از دنیا را از مکتب پدر بزرگوارش آموخته بود که بارها فاطمه‌اش را به زهد و بی‌رغبتی به دنیا ترغیب کرده و پرده از روی حقیقت دنیا برداشته بود پیغمبر اکرم(ص) فرمود:

دخترم! پدر و شوهرت فقیر نیستند. خداوند، گنجینه‌های طلا و نقره زمین را به من عرضه کرده، ولی من آنچه را نزد پروردگارم باقی می‌ماند، برگزیدم. دخترم! اگر از آنچه که پدرت (از

حقیقت دنیا) می‌داند آگاه شوی، دنیا از چشمت فرو می‌افتد. (یا بِنَيْتُهُ! مَا أَبُوكَ بِقَهْرٍ وَلَا بَعْلُكَ بِقَهْرٍ وَ لَقَدْ عُرِضَتْ عَلَيَّ خَزَائِنُ الْأَرْضِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ فَأَخْتَرْتُ مَا عِنْدَ رَبِّي عَزْوًا جَلًّا يَا بِنَيْتِهِ لَوْ تَعْلَمِينَ مَا عَلِمَ أَبُوكَ لَسَمَجَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنَيْكَ...)^{۷۰}

مهر و جهیزیه اندک فاطمه زهرا(ع)، بخشش لباس عروسی و گلویند بابرکتش، خانه گلین و ساده‌اش و زندگی سخت و پر مشقت او همه و همه گواهی صادق بر بی‌رغبتی او به دنیا بود و اینک پاره‌ای از روایات را در این باره با هم می‌خوانیم:

۱. روزی پیغمبر اکرم(ص) به دیدار فاطمه(ع) رفت و فرمود: دخترم چگونه‌ای؟ فاطمه گفت: درد می‌کشم و گرسنه هستم. پیامبر(ص) فرمود: «يَا بِنَيْتُهُ! أَمَا تَرْضِينَ أَنَّكَ سَيِّدَةٌ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؟» دخترم! آیا راضی نیستی که سرور زنان جهان باشی؟^{۷۱}

۲. رسول خدا(ص) می‌دید که علی(ع) و فاطمه(ع) جز پوستینی که شبها بر آن می‌خوابند و روزها با آن شتر خود را علف می‌دهند، چیزی دیگر ندارند، به دخترش فرمود:

دخترم! صبوری کن؛ زیرا موسی بن عمران ده سال با همسرش زیست در حالی که جز قطعه‌ای عبا ی قطوانی فرشی نداشتند (یا بِنَيْتُهُ! اضْرِبِي فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ أَقَامَ مَعَ امْرَأَتِهِ عَشْرَ سِنِينَ مَا لَهَا فِرَاشٌ إِلَّا عِبَاءَةٌ قَطْوَانِيَّةٌ)^{۷۲}

۳. و نیز فرمود:

دخترم! هیچ یک از زنان مسلمان، شکوه و مقام تو را نخواهند داشت. بنابراین، مبادا از ناشکیب‌ترین زنان باشی؛ چرا که تو سرور بانوان بهشت هستی (یا بِنَيْتُهُ! إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنْ نِسَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَعْظَمَ رَزِيَّةً مِنْكَ فَلَا تَكُونِي مِنْ أَذَى امْرَأَةٍ صَبْرًا إِنَّكَ سَيِّدَةٌ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ)^{۷۳}

۴. سلمان فارسی روزی فاطمه زهرا(ع) را با چادری پاره و پر وصله از لیف خرما دید که به دیدار پدر بزرگوارش می‌رفت، تعجب کرد و از شدت ناراحتی گریست و عرض کرد: دختر کسرا و قیصر در حریرند و دختر رسول خدا(ص) چادری ساده و پشمینه با دوازده وصله بر سر دارد؟!

وقتی فاطمه(ع) به خدمت پدر رسید، شگفتی سلمان را مطرح کرد. رسول خدا(ص) به

سلمان فرمود:

ای سلمان! دخترم در زمره سبقت گیرندگان به سوی خداست. (یا سلمان! إن ابنتي لفي الخليل
السوابق) ۷۴

۵. عادت پیغمبر اکرم (ص) این بود که سفرهایش را با دیدار فاطمه (ع) شروع و ختم می کرد. در یکی از این سفرها، فاطمه به یمن قدم پدر و همسرش، برای خود دستبندی از نقره، دو گوشواره و یک گردن بند فراهم آورد و پرده ای رنگین بر خانه آویخت. پیامبر طبق عادت همیشگی ابتدا به خانه فاطمه آمد؛ اما پس از توقف کوتاه، در حالی که آثار گرفتگی و ناراحتی در چهره اش هویدا بود از منزل فاطمه خارج و روانه مسجد شد. فاطمه که با زیرکی خویش، علت ناراحتی پدر را دریافته بود، بلافاصله پرده را باز کرد و به همراه زیورات نزد او فرستاد و پیغام داد که: دخترت سلام می رساند و می گوید: اینها را در راه خداوند به مصرف برسان.

پیامبر (ص) آنها را تحویل گرفت و فرمود:

پدرش به فدایش باد! پدرش به فدایش باد! پدرش به فدایش باد! آل محمد را با دنیا چه کار؟! آنان نه برای دنیا، که برای آخرت آفریده شده اند، هر چند تمام دنیا برای آنان آفریده شده است. اگر دنیا به اندازه بال پشه ای نزد خداوند ارزش می داشت، جرعه ای از آب آن را به هیچ کافری نمی نوشایند و آن گاه برخاست و به سوی فاطمه شتافت. ۷۵

فاطمه (ع) أسوة جاودانی

پیغمبر اکرم (ص)، فاطمه زهرا (ع) را برترین زنان جهان معرفی کرده است و صلاحیت الگو دهی وی را برای همیشه و جاودانی تأیید کرده است:

۱. پیغمبر اکرم (ص) در یکی از سفارشهای خود به علی (ع) فرمود:

یا علی! خداوند بزرگ بر دنیا نظر افکند و مرا بر مردم جهان برگزید، بار دوم توجه کرد و تو را و بار سوم امامان از فرزندان را بر مردم جهان انتخاب کرد. پس از آن برای مرتبه چهارم نظر نمود و فاطمه را بر زنان جهان برگزید. (یا علی! إن الله عز وجل أشرف على الدنيا فاختارني منها على رجال العالمين ثم أطلع الثانية فاختارك على رجال العالمين بعدى ثم أطلع الثالثة فاختار الأئمة من ولدك على رجال العالمين بعدك ثم أطلع الرابعة فاختار فاطمة على نساء العالمين) ۷۶

۲. در روایت دیگر فرمود:

ای فاطمه! بشارت باد تو را که خداوند برتر تو را بر زنان جهانیان و بر زنان اسلام که بهترین دین است، برگزید (یا فَاطِمَةُ أَحَبُّ إِلَيَّ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ تَعَالَى اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ عَلَى نِسَاءِ الْإِسْلَامِ وَ هُوَ خَيْرٌ دِينٍ)^{۷۷}

۳. در ضمن روایتی از رسول خدا (ص) پرسیدند: آیا فاطمه سرور زنان در زمان خویش است؟ فرمود: آن مریم است که سرور زنان زمان خویش است؛ اما دخترم فاطمه سرور همه زنان جهان، از آغاز تا فرجام است. (.. فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنْ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ)^{۷۸}

۴. همو فرمود:

حسن و حسین، بهترین اهل زمین بعد از من و پدرشان هستند و مادرشان برترین زنان روی زمین است. (الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدِي وَ بَعْدَ آبِيهَا وَ أُمَّهَا أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْأَرْضِ)^{۷۹}

۵. همچنین فرمود:

خداوند برتر از میان زنان، چهار زن را برگزید: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه... (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا: مَرْيَمَ وَ آسِيَةَ وَ خَدِيجَةَ وَ فَاطِمَةَ...) ^{۸۰}
این که در این روایت فاطمه زهرا (ع) یکی از چهار زن بزرگ جهان معرفی شده است، منافاتی با این معنا ندارد که او از میان آنان برترین است. علاوه بر اینکه در روایتی از ابن عباس از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود:

چهار زن سرور زنان دوران خود بودند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون)، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و برترین آنان فاطمه است (أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سَيِّدَاتُ سَادَاتِ عَالَمِينَ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَ أَفْضَلُهُنَّ فَاطِمَةُ)^{۸۱}

تعبیر به «أَفْضَلُهُنَّ» بیانگر عظمت مقام فاطمه زهرا (ع) نسبت به حضرت مریم، آسیه و خدیجه کبرا است؛ چرا که فاطمه پاره تن رسول خدا (ص) و شبیه آن حضرت است خلقاً، خلقاً و منطقاً، محور رضا و غضب خدا و رسول است، ام‌الحسین سرور جوانان بهشت است و همه افتخارات و کمالاتی که حضرت مریم، آسیه و خدیجه دارند فاطمه زهرا بیشتر از آنها دارد.

۶. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

از مردان بسیاری به کمال رسیدند، ولی از زنان جز مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم زن فرعون، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد به کمال نرسیدند (كَمُلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكُنْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ) ۸۲

از این روایت فهمیده می شود که ایمان در این چهار زن به کمال رسیده است و خداوند برتر آنان را برگزیده و برتری آنان را بر بسیاری از زنان دنیا و آخرت امضا کرده است.

۷. پیغمبر اکرم (ص) در گرامی داشت فاطمه زهرا (ع) به علی (ع) فرمود:

ای علی! فاطمه بانوی تمامی بانوان بهشت از آغاز تا فرجام است. سوگند به خداوند! فاطمه، مریم کبیرا است. (يَا عَلِيُّ! هَذِهِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، هَذِهِ وَاللَّهِ مَرْيَمُ الْكُبْرَى) ۸۳

روایات یاد شده بر صلاحیت الگویی فاطمه زهرا تأکید کرده و وی را الگویی جاودانی برای همه عصرها و نسلها معرفی کرده اند. پیغمبر اکرم (ص) نیز در سخنی فاطمه اش را در ردیف امیرالمؤمنین (ع) به عنوان اسوه بشریت معرفی کرده است. (وَ لِلْأُمَّةِ فِي ابْنَتِي وَ أَخِي أُسْوَةٌ) ۸۴

فاطمه زهرا (ع) استمرار همان اسوه حسنه ای است که قرآن کریم درباره پدر بزرگوارش فرموده: «وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» ۸۵ از این رو، خود امامان بزرگوار از نسل فاطمه، آن حضرت را اسوه و حجت خویش می دانستند، چنان که امام حسن عسکری (ع) فرمود:

ما حجت خداوند بر مردم هستیم و فاطمه، حجت خداوند بر ما است. (لَنْحُنَّ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ جَدَّتْنَا فَاطِمَةُ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْنَا) ۸۶

امام زمان (ع) نیز فرمود:

در دختر رسول خدا برای من، الگویی شایسته است (وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) ۸۷

مقام معظم رهبری فرمود:

... آن گاه که رسول اکرم (ص) فاطمه را پاره تن خویش می خواند، به جهانیان می آموزد که جلوه والای کرامت انسانی و اخلاق اسلامی را در این چهره مقدس جست و جو کنند و

مادران جهان، شعاعی از این خورشید درخشان برگیرند و کانون حیات انسانها را گرم و روشن سازند.»^{۸۸}

نتیجه گیری

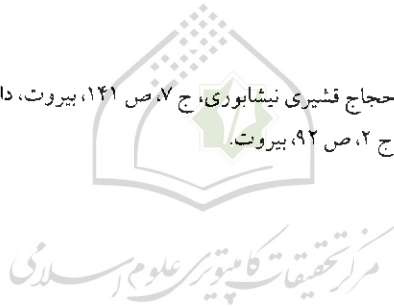
از مجموع آنچه در این نوشتار ذکر شد نتیجه گیری می شود که:

۱. خداوند فاطمه زهرا(ع) را از نور عظمت خویش آفرید.
۲. مراتب وجودی فاطمه زهرا(ع) مقدم بر آفرینش آسمان و زمین، انس و جن، بهشت و دوزخ و عرش و کرسی است.
۳. فاطمه(ع) مظهر اسماء و صفات الهی و محور رضا و غضب خداوند است.
۴. فاطمه(ع) از جانب خداوند مدال «مقام محمود» دارد، محور جود و مظهر رحمت الهی است و در روز قیامت از شفاعت کبرا برخوردار است و خداوند به برکت وجود مقدسش گناهکاران بسیاری را از عذاب نجات می دهد.
۵. فاطمه(ع) نزد پیغمبر اکرم(ع) نیز مقامی ارزنده دارد. تدبیر در سخنان آن حضرت درباره فاطمه(ع) و سیره عملی اش در برخورد با ایشان عظمت شأن و مرتبت او را نزد پدر بزرگوارش روشن تر می کند.
۶. فاطمه(ع) در مقام علمی، دانشمندی ژرف اندیش است و از دانش حضوری که خداوند به او مرحمت کرده، برخوردار است.
۷. از نظر مقامات معنوی و عرفانی، به اوج فله معنویت و تکامل بشری دست یافته است.
۸. زهد و بی رغبتی اش به دنیا رهاورد انتخاب عارفانه اوست و خواسته های حقیر دنیا سیرایش نمی کرد.
۹. فاطمه زهرا(ع) أسوة جاودانی و استمرار أسوه حسنه است.
۱۰. همه کمالات و افتخاراتی که برای فاطمه زهرا(ع) در روایات نقل شده، اولاً در سن جوانی او رخ داده است و ثانیاً بسیاری از آنها ثمره عمل و تلاش خود او بوده است که این نکته جای بسی تدبیر و درس آموزی دارد.
۱۱. ابعاد شخصیتی فاطمه زهرا(ع) باید به صورت الگوی زنده و مجسم و روشن از زندگی مسلمان امروز به جهانیان عرضه و صادر شود.

پی‌نوشتها:

۱. دیوان شعر، مرحوم حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی، ص ۳۹، دار الکتب الاسلامیه.
۲. اقتباس از سخنان امام خمینی قدس سره ر.ک: شرح چهل حدیث، ص ۵۴۵-۵۴۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۶۵، چاپ ایران.
۴. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۰.
۵. همان، ج ۳۴، ص ۴.
۶. همان، ص ۱۷.
۷. همان، ج ۱۵، ص ۲۱.
۸. همان، ص ۱۰.
۹. همان، ج ۴۳، ص ۱۲.
۱۰. ر.ک. همان، ص ۸.
۱۱. همان، ص ۴.
۱۲. دلائل الامامة، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، ص ۵۲، منشورات الرضی - قم.
۱۳. صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۷، ص ۳۳۷-۳۳۸.
۱۴. ر.ک. رباحین الشریعة، شیخ ذبیح الله محلاتی، ج ۱، ص ۱۵۲، دارالکتب الاسلامیه، تهران (در این کتاب نزدیک به سی آیه در شأن حضرت فاطمه (ع) گردآوری شده است).
۱۵. آئینه ایزد نما، آیت الله محمد رضا ربانی، ص ۱۶۱، (به نقل از ینابیع المودّة) نشر جانان، چاپ اول.
۱۶. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۶.
۱۷. جنة العاصمة در تاریخ و حالات فاطمه (س)، سید حسن میرجهانی طباطبایی، ص ۱۶۸، کتابخانه صدر تهران.
۱۸. فاطمة الزهراء (ع)، علامه امینی، ص ۴۰، انتشارات امیرکبیر - تهران.
۱۹. ر.ک. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵.
۲۰. همان، ج ۴۴، ص ۳۶۷.
۲۱. همان، ج ۶۷، ص ۲۰۰.
۲۲. همان، ج ۴۳، ص ۱۴۹-۱۵۰.
۲۳. همان، ص ۱۵۱.
۲۴. همان، ج ۲۵، ص ۲۵۴ و ج ۷۶، ص ۱۹۳.
۲۵. همان، ج ۴۴، ص ۲۲۱ و ۲۶۴.
۲۶. فاطمة الزهراء (ع) بهجة قلب المصطفى، احمد رحمانی همدانی، ص ۱۸۹، بیروت، مؤسسه النعمان.
۲۷. مثنوی مولوی، دفتر ششم.
۲۸. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹.
۲۹. همان، ص ۵۴.
۳۰. همان، ص ۲۲۰.
۳۱. ر.ک. زن دو آئینه جلال و جمال، آیه الله جوادی آملی، ص ۱۷۱، مؤسسه فرهنگی رجا، چاپ دوم.

۳۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۹ - ۲۲۰.
۳۳. همان، ص ۶۵.
۳۴. فاطمة الزهراء (ع) بهجة قلب المصطفى، ص ۷۴۴.
۳۵. نخل ميثم، غلامرضا سازگار، ج ۲، ص ۱۴۷.
۳۶. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۷.
۳۷. همان، ص ۱۴۲.
۳۸. همان، ص ۲۰ و ۸۶.
۳۹. همان، ص ۱۷۲.
۴۰. همان، ص ۱۹. (به طرق مختلف از شیعه و سنی روایت شده است که رسول خدا (ص) این کنیه را بر دخترش فاطمه (ع) نهاد.)
۴۱. همان، ص ۴.
۴۲. فرائد السطین، ابراهیم بن محمد جوینی، ج ۲، ص ۶۶، تصحیح شیخ محمد باقر محمودی، مؤسسه المحمودی، بیروت.
۴۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳.
۴۴. همان، ص ۳۹.
۴۵. صحیح مسلم، ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، ج ۷، ص ۱۴۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۶. کشف الغم فی معرفة الائمة، اربلی، ج ۲، ص ۹۲، بیروت.
۴۷. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۲.
۴۸. همان، ص ۸۸.
۴۹. همان، ص ۶.
۵۰. همان، ص ۲۵.
۵۱. ر.ک همان، ص ۸۳.
۵۲. عوالم العلوم، عبدالله بحرانی، ج ۱۱، ص ۷۸، مدرسة الامام المهدي.
۵۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴.
۵۴. همان، ص ۸.
۵۵. همان.
۵۶. همان، ص ۲۹.
۵۷. همان، ص ۴۶.
۵۸. همان، ص ۱۷۲.
۵۹. همان، ص ۷۶.
۶۰. همان، ص ۸۲.
۶۱. عدة الداعي، احمد بن فهد حلی، ص ۱۳۹، تصحیح احمد موحدی، انتشارات وجدانی.
۶۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۴۶.
۶۳. ملحقات احقاق الحق، قاضی نورالله شوشتری، ج ۲۵، ص ۵۲۷، تصحیح و تعليق آية الله سيد شهاب الدين نجفی



- مرعشی، کتابخانه آیه الله نجفی مرعشی - قم.
۶۴. ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۱۰۵.
۶۵. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴.
۶۶. همان، ص ۷۸.
۶۷. همان، ص ۷۹.
۶۸. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۷۸، با اندکی تصرف.
۶۹. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴.
۷۰. همان، ص ۱۳۳.
۷۱. همان، ص ۳۷.
۷۲. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۷۸.
۷۳. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، محبّ الدین احمد بن عبدالله طبری، ص ۳۹، مکتبه القدسی - قاهره.
۷۴. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۸.
۷۵. همان، ص ۲۰.
۷۶. همان، ص ۲۶.
۷۷. همان، ص ۳۶.
۷۸. همان، ص ۲۴.
۷۹. همان، ص ۱۹.
۸۰. همان.
۸۱. ذخائر العقبی، ص ۴۴ و الدر المنثور در ذیل آیه ۴۲ سوره آل عمران آورده است.
۸۲. الفصول المهمّة، ابن صباغ، ص ۱۲۷.
۸۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۶.
۸۴. مستدرک الوسائل، محدّث نوری، ج ۱۵، ص ۶۵، آل البيت.
۸۵. احزاب (۳۳)، آیه ۲۱.
۸۶. اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۲۵.
۸۷. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۸.
۸۸. مقام معظم رهبری، ۶۶/۱۱/۲۰.

